

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۹۲ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۶۳ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۸/۱۵

- معنای وسیع و گسترده تقوا
- ویژگی‌ها و جلوه‌های اهل بر و نیکی
- بشتابید به سوی مغفرت الهی
- ویژگی‌های متقین
- درک حضور خدای متعال؛ ریشه و اساس تقوا است
- خدای متعال در عقوبت بسیار سخت گیر است
- راه‌های رسیدن به تقوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمده

معنای وسیع و گسترده تقوا

سخن در باره تقوا بود؛ به مناسبت این جمله نورانی از دعای شریف مکارم الاخلاق از صحیفه مبارکه سجادیه که حضرت فرمودند «اللَّهُمَّ وَ أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى، وَ الْهَمْنِي التَّقْوَى»^۱؛ امام (علیه‌الصلوة‌و‌السَّلام) این جا درخواست الهام تقوا را دارند که به من تقوا را الهام کن.

در ادامه بحث‌های قبل، آنچه که مهم است خدمت عزیزان عرض کنم یکی این است که در فرهنگ قرآن کریم تقوا به همان معنای جامع مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن معنای جامع یعنی مراقبت از خویشتن در ارتباط با خدای متعال. یعنی انسان در انجام وظایف بندگی مراقب خودش باشد، که این را به

تفصیل عرض کردیم. از آن بحث این به دست می‌آید که معنای مشهور در ترجمه تقوا که در بین ماها در وجود دارد، این معنا معنای ناقصی است، بخشی از تقوا است که عمدتاً ناظر به مراقبت از نفس در محور محرمات است. این مورد تأکید است، البته که چه بسا اهمیت مضاف آن باعث شده که کلاً وقتی می‌خواهند تقوا را معنی کنند، معنای سلبی را بیشتر برجسته می‌کنند که گاهی مثلاً همین «اتقوا الله» به معنای پرهیز و پرهیزکاری و امثال این‌ها می‌آید، در حالی که معنا به همان معنای وسیع و فراخ و گسترده است. یک بخش از تقوا همین تقوای به معنای سلبی یعنی مراقبت از خویشتن در ارتباط با نواحی است، آن جایی که خدای متعال نهی‌ای دارد، محرماتی دارد، قُرُق‌هایی دارد، این که انسان مراقبت از خود داشته باشد که به قُرُق‌ها نزدیک نشود.

۱ فرازی از دعای بیستم صحیفه

ویژگی‌ها و جلوه‌های اهل بر و نیکی

وَالْمَغْرِبِ»^۱، این که مدام صورت‌تان را به سمت راست و چپ و امثال این‌ها بخواهید بگردانید. بر چیست؟ فرمود اگر می‌خواهید به حقیقت بر دست پیدا کنید بروید سراغ کسانی که اهل بر هستند، یعنی به جای معنای مثلاً خود بر، به معنای نیکی و شرح آن، بروید سراغ کسانی که بر و نیکی در وجود آن‌ها متجلی و متمثل است.

۱. ایمان

این‌ها چه کسانی هستند؟ این جا خدای متعال یک فهرستی از ویژگی‌های این‌ها را ارائه می‌کند «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ»^۲ از کجا شروع می‌شود؟ از ایمان. نیکی در وجود انسانی تجلی کرده که به خدای متعال ایمان آورده است، به قیامت، به آخرت ایمان آورده، به فرشتگان ایمان آورده،

۳ همان

۴ همان

آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۲. ملاحظه می‌کنید که در این کریمه نورانی سخن از بر است، بر به معنای عام نیکی، یعنی عنوان بر، بر هر کار خوبی صدق می‌کند. فرمود بر و نیکی این نیست که شما «تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ

۲ آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره

آن مال علاقه‌مند هستند، با این حال از نظر شخصیتی به مرحله‌ای رسیدند که می‌توانند از این تعلق خاطرشان عبور کنند و این مال را به خاطر یک حقیقت بزرگتر، به خاطر اقتضای ایمان پرداخت کنند.

حالا به چه کسانی می‌دهند؟ یک فهرست این‌جا آمد؛ از نزدیکان هم شروع می‌شود، این هم جالب است. اگر کسی خواست پرداخت کند اولویت با چه کسی است؟ با نزدیکان است، با فامیل است، با ارحام است. از این‌ها شروع می‌کنند، دیگر تا می‌رسد به یتیمان، مساکین. مسکین آن کسی است که فقر او شدید شده و به نوعی به مسکنت افتاده، در بدر شده است. ابن سبیل آن کسانی هستند که در راه مانده هستند، همین کسی که مثلاً مسافرت رفته در راه مانده است، کم آورده، که معمولاً در مسافرت‌ها این وضعیت برای انسان پیش

به کتاب آسمانی ایمان آورده، به پیامبران ایمان آورده است. پس ایمان به خدای متعال، به آخرت، به فرشتگان، به کتاب که در این‌جا برای ما قرآن کریم و پیامبران است. این محور ایمان است.

۲. انفاق

و اما محور عمل؛ «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»^۵ و مال را در حالی که دوستش می‌دارد، این را تقدیم می‌کند به نزدیکان، به یتیمان، به کسانی که گرفتار فقر شدید هستند؛ مساکین، به در راه ماندگان، به کسانی که خواسته خودشان را عرضه می‌کنند «و السائلین»، آزاد کردن بندگان. جالب است که بلافاصله بعد از ایمان سخن از پرداخت مالی است، یعنی کسانی که به خاطر خدای متعال در این محورهایی که مطرح شد به عنوان مصادیق، با این که به

عرض نیاز می‌کنند. وقتی عرض نیاز بشود، برای رسیدگی وظیفه پیدا می‌شود، مگر در ارتباط با شیادها و کسانی که حرفه‌ای هستند. در این موارد اگر انسان یقین پیدا کرد یا مصلحت دیگری اقتضاء کرد، آن جا به این سؤال می‌تواند اعتنا نکند. و آلا وقتی که شما طرف سؤال قرار گرفتید وظیفه جواب دارید، هر مقدار که برای شما ممکن باشد باید به آن سؤال پاسخ بگویید. این به گردن شما واجب می‌شود.

«**و فی الرقاب**» آزاد کردن بندگان؛ البته الان به این معنا مصداق ندارد. آن وقت‌ها بوده که غلام و کنیز و امثال این‌ها خرید و فروش می‌شدند. آزاد کردن آن‌ها یکی از موارد عملیات مالی انسان‌های مؤمن است. یکی از مصادیقش بوده است. پس مسئله اول ایمان، جلوه‌های ایمان فهرست شد. بلافاصله پرداخت مالی است «**و آتی المال**

می‌آید، ولو وضعش هم خوب باشد. مخصوصاً آن وقت‌ها که دیگر کارت اعتباری و امکان شارژ از راه دور و تأمین کردن و این حرف‌ها هم نبود، اگر کسی توشه‌اش را گم می‌کرد یا از او سرقت می‌کردند، ولو پولدارترین آدم هم بود این دیگر گرفتار بود، باید به او رسیدگی می‌کردند.

«**و السائلین**» کسانی که نیازشان را عرضه می‌کنند. البته یک کسانی مسکین هستند ولی نیازشان را عرضه نمی‌کنند، به خاطر عفت و شخصیت‌شان است. سطح شخصیت و آن رفعت شخصیتی و مناعت طبع‌شان اجازه نمی‌دهد که دست به سوی کسی بردارند. اما بعضی هستند نه، از این جهت ابایی ندارند، حالا یا به خاطر شدت نیاز است یا آن عفت به این معنا را ندارند، راحت می‌آیند می‌ایستند سر چهارراه و این ور و آن ور، یا به دیگران مراجعه می‌کنند سؤال می‌کنند،

برود به سمت اقامه نماز؛ البته معنای اقامه یک مقدار وسیع‌تر از این هم هست، منتها این که حق نماز را اداء کنیم، حق قیام راه، حق رکوع راه، حق سجده راه، حق تشهد راه، حق سلام راه، این‌ها هر کدام یک حقی دارد، حقی را اگر اداء کردی نماز را اقامه کردی. حق تسبیح، حق حمد، این‌ها یک حقی دارد. آیا ما حق نماز را اداء می‌کنیم؟ اگر اداء کردیم می‌شود اقامه نماز که امیدواریم خدای متعال توفیقهش را روزی کند.

۴. پرداخت زکات

بعد می‌فرماید «وَأْتَى الزَّكَاةَ»، و زکاتش را پرداخت می‌کند. از این کلمه «وَأْتَى الزَّكَاةَ» معلوم می‌شود که این مربوط می‌شود به آن موارد خاص پرداخت مالی که به گردن شخص واجب شده است، به همان معنای زکات خاص که امکاناتی در اختیار او هست که

علی حبه»، به چه کسانی؟ این جا یک فهرستی ارائه شد.

۳. اقامه نماز

سوم: «وَأَقَامَ الصَّلَاةَ» نماز، اقامه نماز. اقامه نماز هم معنای خاص خودش را دارد، مکرر خدمت‌تان عرض کردیم. اقامه نماز یعنی آن وقتی که انسان مؤمن در پیشگاه خدای متعال همه ظرفیت فکری، عاطفی، قلبی خودش را می‌آورد در پیشگاه خدای متعال، نماز را اقامه می‌کند. این کاری که ما می‌کنیم قرائت الصلاه است نه اقامه الصلاه، این همین قرائت است، فقط می‌خوانیم. اما آیا دل‌مان هم هست؟ فکرمان هم دارد نماز می‌خواند؟ دل‌مان دارد نماز می‌خواند؟ این خودش یک نکته‌ای است.

این جا که می‌رسد، انسان سرش پایین است، اکثراً ما نماز می‌خوانیم، ولی خب انسان باید

در بین رفتارهای دینی یکی از مهم‌ترین رفتارها وفای به عهد است. خلاصه گفت یا قرار نگذار، یا قراردادی را امضاء نکن یا اگر قرارداد را امضا کردی باید تا پای جانت به آن وفا کنی. از جلوه‌های ویژه نیکی و بر، وفای به عهد است «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا».

۶. صبر

بعدی مسئله صبر است «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ».^۷ بر در شخصیت انسان نیک و نیکوکار وقتی جلوه می‌کند، یکی از جلوه‌های آن می‌شود صبر. این‌ها کسانی هستند که در سختی‌ها صبر می‌کنند، در شرایط بسیار دشوار که به آن‌ها تحمیل می‌شود، در ضررهایی که به آن‌ها وارد می‌شود، در شرایطی

به آن امکانات زکات تعلق می‌گیرد که آن را باید به مصرف خاص خودش برساند و پرداخت نکند. البته این معنا معمولاً در قرآن کریم در کنار صلوات و زکات قرار می‌گیرد، معنایش معنای خاصی است. مثلاً فرض بفرمایید این مقدار اگر گوسفند داشته باشد، این مقدار اگر طلا داشته باشد، به این زکات به معنای خاص تعلق می‌گیرد به عنوان یک حق واجب که باید آن را پرداخت کند.

۵. وفای به عهد

مصدق دیگر بر در شخصیت انسان نیکوکار عبارت است از وفای به عهد «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا».^۶ این‌ها کسانی هستند که اگر عهدی بستند، قراردادی بستند، پیمانی را با کسی منعقد کردند به آن وفا می‌کنند، وفای به پیمان دارند.

یک: ایمان. دو: پرداخت مالی به معنای همان انفاق. سه: نماز، اقامه نماز. چهار: پرداخت حقوق واجب مالی که اسم آن هست زکات. پنج: وفای به پیمان. شش: صبر. باز با همان تفصیل، هر کدام یک مورد و مصادیقی داشت که این جا در این آیه آمده است.

حالا جمع بندی: «**أَوْلِيكَ الَّذِينَ صَدَقُوا**»^۹ خدای متعال می فرماید این ها راست می گویند، این ها اهل صدق هستند، صادقین این ها هستند، «**وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ**»^{۱۰} تقوا پیشگان به معنای حقیقی کلمه این ها هستند. این شد تقوا. پس به این ترتیب می بینید در نگاه خدای متعال متقی فقط آن کسی نیست که مثلاً از محرّمات پرهیز می کند، نخیر؛ متقی در فرهنگ قرآن کریم آن کسی است که این رفتارهای مؤمنانه را دارد. اصل

همان ۹

همان ۱۰

که حین درگیری با دشمن هستند «**و حین البأس**»، این ها صبر می کنند، مقاومت می کنند. حقیقتاً مصداق برجسته و تحسین برانگیز و خیلی وقت ها غیرقابل توصیف، همین مقاومت و صبری است که «**حین البأس**» اکنون مردم غزه و در فلسطین دارند انجام می دهند. جلسه پیش توضیح دادم که در واقع این مردم نصاب مقاومت و صبر را ارتقاء دادند. در برابر آن نصاب وحشیگری و ظلم و جنایتی که از سمت دشمن دارد اعمال می شود، آن ها هم این نصاب را ارتقاء دادند.

بنابراین شد «**لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ**»^۸ این طرف و آن طرف بزیند و به این راه و آن راه بروید و به این نحله و آن نحله بروید این بر نیست. بر در وجود انسان بارّ و کسی که اهل نیکی هست جلوه می کند. جلوه های آن چیست؟

۸ آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره



تقوا پیدا کند. این آیه کریمه تکلیف ما را روشن می‌کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^{۱۱} این‌ها هستند که راست می‌گویند و این‌ها اهل تقوا هستند.

بشتابید به سوی مغفرت الهی

یک آیه دیگر هم در سوره مبارکه آل عمران داریم که آن آیه هم خیلی آیه دلنشینی است، آیه‌ی ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران است که با این عنوان شروع می‌شود: «و سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^{۱۲} فرمود بشتابید، سرعت بگیرید به سوی مغفرت الهی. انسان باید به سوی مغفرت شتاب کند، سرعت بگیرد، خودش را به مغفرت الهی برساند. «إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» و بهشتی

ایمان آن هم با آن وسعتش بگیرید تا صبر. در بین وفای به پیمان و انجام اداء حق نماز و زکات و...، یک نکته خیلی برجستگی داشت، «و آتی المال» خیلی برجسته است. آدمیزاد جانش به مال بسته است، اگر بتواند رها بشود خیلی رها می‌شود، مخصوصاً آن کسی که به سختی به دست می‌آورد، به سختی تحصیل می‌کند، زحمت می‌کشد، حالا براساس آن شغلش، کسب و کارش، مخصوصاً مال حلال. مال حلال به زحمت رنج برده، این را به دست آورده، حالا بتواند با این که این را به زحمت به دست آورده و به آن دل بستگی دارد، یک نوعی هم خودش نیاز دارد، اما این را وقتش که برسد در فامیل، ایتم، نیازمندان، گرفتاران آن‌ها را ترجیح می‌دهد، اهل انفاق است، معلوم می‌شود این خیلی نقش دارد در ویژگی‌های متقین و در رفتار پارسایانه و در این که انسان بشود اهل التقوی، اهلیت برای

۱۱ همان

۱۲ آیه ۱۳۳ سوره مبارکه آل عمران

ساعت بشوید، بروید و برگردید، یک وقت محاسبه کرده بودند، اگر نوزاد باشد برود و برگردد، حالا شده سی و چند سالش. این جا صحبت از هشت دقیقه است. امان از وقتی که می‌گویید یک سال نوری، وقتی که می‌گویید چهار سال، هشت سال، مثلاً این شباهنگ، برو همین جور جلو، هشتاد سال ستاره قطبی. برو همین جور جلو، دیگر می‌رسد به هزار سال. فاصله هزار سال نوری یعنی چقدر؟ دیگر ذهن ما جواب نمی‌دهد، اصلاً ذهن ما پاسخگو نیست، هزار سال نوری یعنی چقدر؟ فاصله‌ای که نور در هزار سال، سیصد هزار کیلومتر در ثانیه طی می‌کند، یعنی چقدر؟ نمی‌دانیم. حالا برو تا بررسی به میلیون سال نوری. این تصویری که مخابره شده ۶۷ میلیون سال نوری فاصله‌اش است. چقدر خبر است آن جا؟ ما همین تصویرها را آن هم

که وسعتش به اندازه وسعت همه آسمان‌ها و زمین است «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ».

مکرر خدمت‌تان عرض کردیم ما نمی‌دانیم آسمان یعنی چی، سماوات یعنی چی، هر از چندگاه یک گوشه‌اش یک خبری می‌رسد. اخیراً تلسکوپ «جیمز وب» یکی از اکتشافاتی که دارد یک کیهکشان پیدا کرده است. حقیقتاً این تصویری که فرستاده خیلی تصویر قشنگی است. خب این تصویر را می‌گذارد جلوی چشم شما می‌گوید ۶۷ میلیون سال نوری ناقابل ما با آن فاصله داریم.

یادتان هست یک وقت گفتم شما کافی است فقط تصور کنید ما با اولین ستاره‌ای که ارتباط داریم جناب خورشید است. فاصله ما با خورشید که خیلی به ما نزدیک است چقدر است؟ هشت دقیقه نوری است. اگر شما سوار یک پرواز با سرعت هزار کیلومتر بر

که یک گوشه‌ای از آن می‌شود همین حوزه آگاهی‌های ما، دانش ما، علم ما، همین یک گوشه‌ای از نفس ما و روح ما چه خبر است؟

همان جایی است که خدای متعال گفت «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»^{۱۳} که قبلاً به عرض شما رسید استاد ما می‌فرمودند که فضولی موقوف، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» می‌خواهند حقیقت روح را بشناسند، «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» همه علمی که در اختیار شما انسان‌ها برای شناخت روح است اندکی بیش نیست، نمی‌تواند بشناسد. خیال همه را راحت کرد، از این جهت گفت فضولی موقوف، گفت این حرف‌ها به شما نیامده، خیلی کوچک‌تر از این هستی که بتوانی حقیقت روح

بازسازی شده داریم. با آن امواج و دریافت‌ها و ترکیب‌ها و این‌ها، ولی خب تصویرش هم خیلی تصویر دلنشینی است. آن وقت آن جا چقدر ستاره است؟ می‌گویند حالتش نشان می‌دهد که یکی از مراکز تولید ستاره است، تولد ستاره‌ها آن جا اتفاق می‌افتد. مثلاً در بعضی از تصویرها می‌گویند چند میلیون ناقابل ستاره مثل خورشید آن جا هست. چه خبر است این عالم؟ خدایا چقدر تو بزرگ هستی. یا عظیم العظمه لله. آن وقت تو می‌روی در رکوعت می‌گویی «سبحان ربی العظیم و بحمده». بعد این‌هایی که اهل مطالعه هستند می‌گویند این‌ها را رها کن بیا در وجود انسان، عالم سلول را مطالعه کن ببین چه خبر است. چه عظمتی خدا این جا خلق کرده است. آن وقت یک قدم آن طرف‌تر روح انسان است. روح یعنی چی؟ نفس آدم یعنی چی؟ این روح ما، وسعتش، بزرگی‌اش، استعدادش

آسمان دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم کجاست؟ این تا کجا می‌رسد؟ بعد فرمود این بهشت برای چه کسانی آماده شده؟ «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^{۱۸} برای انسان‌های متقی، اهل تقوا، خدای متعال آن بهشت را برای آن جانی که آراسته شد به تقوا آذین کرده، آماده کرده است. خوش به حال متقین و وای بر ما، در این دنیا معطل چی هستیم؟ به چی دل بستیم؟ گرفتار چی شدیم؟

ویژگی‌های متقین

حالا متقین چه کسانی هستند؟ این جا ویژگی متقین را توضیح می‌دهد. این که گفتم از آیات خیلی دلنشین و زیبای قرآن است این جاست.

را کشف کنی و بشناسی. «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»^{۱۴}.

خدای متعال می‌گوید: «وَسَارِعُوا»^{۱۵}. تا وقت دارید، تا زنده‌اید، تا نفس دارید، تا حرکت دارید، تا می‌توانید عمل کنید، تا این فرصت در اختیار شما هست سرعت بگیرید به سوی مغفرت الهی، خودتان را به مغفرت خدای متعال برسانید. «وَجَنَّةٌ»^{۱۶}؛ می‌خواهید بدانید وسعت آن بهشت چقدر است؟ «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^{۱۷} وسعت این بهشت به اندازه آسمان‌ها و زمین است.

حالا یک وقتی به عرض‌تان رسید که تمام آنچه که بشر از آسمان می‌شناسد تازه می‌شود سماء اول. سماوات کجاست؟

۱۴ همان

۱۵ آیه ۱۳۳ سوره مبارکه آل عمران

۱۶ همان

۱۷ همان

۱۸ همان

۱. اهل انفاق هستند

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۹}. اول از کجا شروع شد؟ اول از انفاق شروع شد. چه خبر است، خدای متعال چقدر دست دهنده را دوست دارد. این‌هایی که می‌توانند از مال بگذرند. بعضی‌ها می‌آمدند با ما خمس حساب کنند، محاسبه می‌کردیم مثلاً می‌شد این قدر، وقتی به او می‌گفتی این قدر باید بدهی، رنگ چهره شخص عوض می‌شد. بعد که می‌خواهد پرداخت کند شما نگران می‌شوی باید اورژانس نزدیک باشد که یک وقت کار دست شما ندهد. پس با این شروع می‌شود «يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ»^{۲۰} یعنی چه وقتی که دست‌شان

باز است، چه وقتی که در شرایط سخت هستند. خود طرف در شرایط سخت است، گرفتاری دارد، می‌گوید ما خودمان گرفتار هستیم شما چی داری می‌گویی به این و آن می‌خواهی بدهی؟

۲. مدیریت خشم دارند

ویژگی دوم: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ»^{۲۱} این‌ها کسانی هستند که می‌توانند خشم خودشان را مدیریت کنند. می‌گوید آقا جان تقوا این است «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^{۲۲} آن بهشت را خدای متعال برای اهل تقوا آماده کرده است. خب این متقین چه کسانی هستند؟ فرمود اولش این است که این‌ها اهل انفاق هستند. دوم: مدیریت خشم دارند، می‌توانند خشم‌شان را فرو ببرند. خشم‌شان را می‌توانند مدیریت کنند که آشکار نشود.

۱۹ آیه ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران همان ۲۰

۲۱ آیه ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران
۲۲ آیه ۱۳۳ سوره مبارکه آل عمران

۳. اهل عفو هستند

يُصِرُّوْا عَلٰى مَا فَعَلُوْا وَهُمْ يٰعَلَمُوْنَ»^{۲۵} ویژگی بعدی ایشان این است که وقتی یک کار زشتی را خدای نخواستہ مرتکب شدند، ارتکاب پیدا کرد، حالا بفرمایید غفلت و وسوسه شیطان و این‌ها است، می‌شود دیگر. «وَ الَّذِيْنَ اِذَا فَعَلُوْا فَاْحِشَةً»^{۲۶} یک وقت یک کار زشتی را انجام دادند «اَوْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ» یا به خودشان یک ستمی کردند. «فَاْحِشَةً» با «ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ» دو مرحله است. «فَاْحِشَةً» را می‌گویند یعنی یک وقت یک گناه بزرگی مرتکب می‌شوند. «ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ» در مراحل پایین‌تر، یک مثلاً ظمی به خودشان کرده باشند و این‌ها. مثلاً «فَاْحِشَةً» مثل غیبت؛

غیبت فاحشه است، گناه کبیره است. «ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ»؛ یک وقت یک نگاه به یک نامحرمی کرده است. جلوتر نرفته، مثلاً فرض کنید فقط یک نگاهی

ویژگی سوم؛ «وَ الْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ»^{۲۳} این‌ها کسانی هستند که از مردم می‌گذرند، عفو می‌کنند، اهل عفو هستند. کسانی به این‌ها بدی کرده باشند می‌بخشند، عبور می‌کنند. «وَ الْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ». بعد فرمود «وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ»^{۲۴} این ویژگی‌ها وقتی در شخصیت کسی جمع شد او را در اوج احسان و زیبایی قرار داده است. این شخصیت چقدر شخصیت جمیل و زیبایی است، محسن است.

۴. اهل توبه هستند

«وَ الَّذِيْنَ اِذَا فَعَلُوْا فَاْحِشَةً اَوْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوْا لِذُنُوْبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ

۲۵ آیه ۱۳۵ سوره مبارکه آل عمران همان
۲۶

۲۳ آیه ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران همان
۲۴

کرده است. «ذَكَرُوا اللَّهَ» این‌ها به یاد خدای متعال می‌افتند. توجه پیدا می‌کنند به خدای متعال، «فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»^{۳۷} از خدای متعال طلب مغفرت می‌کنند در باره گناهی که مرتکب شدند. «وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»^{۳۸} چه کسی جز خدای متعال است که از گناهان آن‌ها بگذرد و آن‌ها را ببخشد. یعنی راهی غیر از خدای متعال ندارند. اگر کسی مرتکب گناه شد مگر راهی غیر از مغفرت الهی دارد، راه دیگری ندارد. «وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»^{۳۹} و این‌ها به گناه‌شان اصرار نمی‌کنند. اصرار نمی‌کنند یعنی چه؟ یعنی فوراً توبه می‌کنند. در وضعیت گناه توقف نمی‌کنند. انسان گاهی یک گناهی را مرتکب می‌شود

در همان ارتکابش می‌ماند. «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»^{۳۰} در حالی که آن‌ها می‌دانند که باقی ماندن بر گناه چه مصیبت بزرگی است. پس ملاحظه کردید که خدای متعال در این آیات متقین را به ما معرفی کرد. این قسم اخیرش جنبه سلبی داشت که «إِذَا فَعَلُوا فَاحْشَةً» آن‌ها هم تازه از این منظر «أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»^{۳۱} اما قبلی‌هایش چه بود؟ انفاق بود، کظم الغیظ بود، عفو بود، این‌ها هم هست. این‌ها همه جزو تقوا است. یعنی کسی که می‌تواند بگذرد جلوه تقوا است. کسی که می‌تواند خشم‌اش را مدیریت کند جلوه تقوا است. البته کسی که به خاطر

کرده است. «ذَكَرُوا اللَّهَ» این‌ها به یاد خدای متعال می‌افتند. توجه پیدا می‌کنند به خدای متعال، «فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»^{۳۷} از خدای متعال طلب مغفرت می‌کنند در باره گناهی که مرتکب شدند. «وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»^{۳۸} چه کسی جز خدای متعال است که از گناهان آن‌ها بگذرد و آن‌ها را ببخشد. یعنی راهی غیر از خدای متعال ندارند. اگر کسی مرتکب گناه شد مگر راهی غیر از مغفرت الهی دارد، راه دیگری ندارد. «وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»^{۳۹} و این‌ها به گناه‌شان اصرار نمی‌کنند. اصرار نمی‌کنند یعنی چه؟ یعنی فوراً توبه می‌کنند. در وضعیت گناه توقف نمی‌کنند. انسان گاهی یک گناهی را مرتکب می‌شود

۳۰ همان
 ۳۱ همان

۲۷ همان
 ۲۸ آیه ۱۳۵ سوره مبارکه آل عمران
 ۲۹ همان

باشید یا مثلاً از خدا بترسید. گفتیم این کلمات پاسخگو نیست، باید فقط بگوییم تقوا داشته باشید، تقوا پیشه کنید، مثل این که خودش را باید بگوییم. «و اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^{۳۲}، «و اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقَوْهُ...»^{۳۳} این‌ها است. «و اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۳۴} تقوا داشته باشید و بدانید این دانستن شما مبنای تقوا است.

بدانید که شما به سوی خدای متعال می‌روید، به ملاقات خداوند می‌روید. بدانید که شما در پیشگاه خدای متعال محشور می‌شوید. یعنی چی؟ یعنی خدای متعال از تمام جزئیات کارهای شما باخبر است و شما را با کارهایتان روبرو می‌کند. نه، بالاتر از این است، شما با همین اعمال‌تان با خدای متعال روبرو خواهید شد. «و اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا» بدانید محشور

۳۲ آیه ۲۰۳ سوره مبارکه بقره

۳۳ آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره

۳۴ آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره

خدای متعال انفاق مالی می‌کند جلوه تقوا است. از این قبیل داریم باز هم، حالا می‌خواستیم عرض کنم تقوا را خوب بشناسیم، تقوا به این معنا است. خدای متعال به چنین کسی متقی می‌گوید.

درک حضور خدای متعال؛ ریشه و اساس تقوا است

اما در ارتباط با مسئله تقوا، مطلبی که خیلی مهم است و به نظر می‌آید قرآن کریم روی آن اصرار دارد، که می‌شود گفت منشأ و اساس و ریشه تقوا است، آن عبارت است از این که انسان خودش را در حضور خدای متعال بداند. این مطلب بسیار مورد تأکید است. آیاتش هم متعدد است، خدای متعال وقتی شما را دعوت می‌کند به تقوا، می‌فرماید «و اتَّقُوا اللَّهَ» خیلی جاها می‌گوید «و اعلموا». «و اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعلموا» یعنی تقوا داشته باشید، دیگر نمی‌توانیم بگوییم پرهیزگار

بله خدای متعال کریم است، خدای متعال می‌بخشد اما ضمناً خدای متعال شدیدالعقاب است، خیلی هم سخت‌گیر است، سریع‌الحساب است، به حساب می‌رسد. ذره را محاسبه می‌کند. ضمناً این را هم بدانید. چون آن نصف مطلب است که می‌گوییم خدای متعال غفار است، غفور است، رحیم است، مهربان است، کریم است. این نصف مطلب است. نصف دیگرش هم هست، شدیدالعقاب است، سریع‌الحساب است. جزئیات کارها را هم رسیدگی می‌کند. مخصوصاً وقتی که آن عمل ما آسیبی به کسی زده باشد. عبور نمی‌شود. ذره‌اش محاسبه می‌شود. و آلا اگر خدا نخواهد حساب کند، این سوره زلزال لغو است «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^{۳۶} یک مثقال ذره‌ای شر از شما صادر شده باشد آن جا هست. این گونه

می‌شوید، بدانید به ملاقات خدا می‌روید، این را باخبر باشید.

خدای متعال در عقوبت بسیار سخت‌گیر است

البته یک جاهایی یک مقدار ترسناک هم هست. از جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۳۵} یعنی خدای متعال در عقوبت بسیار سخت‌گیر است. «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا» این «و اعلموا» اهمیت دارد. «و اعلموا» بدانید خدای متعال شدیدالعقاب است. جای دیگر هم دارد «و اعلموا» آن الله سریع الحساب» به حساب‌تان می‌رسد و در عقوبت، عقوبت گناهکاران خدای متعال شدید است، سخت‌گیر است. این‌هایی که می‌نشینند می‌گویند حالا خدا کریم است، این‌ها نصف قصه را می‌گویند.

اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^{۳۹} این جا گفته شده است. در ارتباط با خانواده چند جا در همین سوره بقره هست، از جمله جاهایی است که معلوم است خدای متعال سخت‌گیر است. اگر حق خانم‌تان را زیر پا بگذارید خدای متعال پدرتان را در می‌آورد. این خبرها نیست. «نَسَاؤُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتِكُمْ أَنِي شَيْئْتُمْ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^{۴۰} بدانید شما به ملاقات خدا می‌روید. حساب و کتاب دارد. «و اعلموا» این جا خدای متعال می‌گوید آقایان خیلی حواس‌تان را جمع کنید. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ»^{۴۱} شما به ملاقات خدای متعال می‌روید، خوش به حال مؤمنین «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^{۴۲}

هم انسان می‌تواند از مخاطرات نفسانی، از وسوسه‌های شیطانی، از این گرداب‌هایی که در این عالم ما را محاصره کرده، این طور می‌تواند نجات پیدا کند، یعنی این باور است که نجات می‌دهد و تقوا درست می‌کند و انسان مؤمن را صیانت می‌کند.

کسی که این را باور کرد، به این آگاهی رسید که «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۳۷}، مثلاً «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^{۳۸} آن پایان را در نظر داشته باشید، شما به سوی خدا متعال خواهید رفت، در حضور او محشور خواهید شد. «إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» مکرر است، همین سوره مبارکه بقره را شما ملاحظه کنید این‌ها پشت سر هم هست. یک مطلبی مطرح شده مثلاً در موضوع احکام حج، این جا شرح داده شده بعد می‌گوید «وَ

همان ۳۹
آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره ۴۰
آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره ۴۱
همان ۴۲

۳۷ آیه ۹۸ سوره مبارکه مائده
۳۸ آیه ۲۰۳ سوره مبارکه بقره

داشته باشید و بدانید خدای متعال به همه کارهایی که می‌کنید بصیر است. این «بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» در ضمن هم تهدید است هم بشارت است. می‌گوید خدا می‌داند شما دارید چه کار می‌کنید این هم تهدید است هم بشارت است. اگر خوب عمل کرده باشید، فقط او ببیند کافی است، اگر هم بد عمل کرده باشی هم این که او بداند و ببیند کافی است، اصلاً همین بس است.

راه‌های رسیدن به تقوا

۱. داشتن معرفت

نسبت به علم الهی

راه رسیدن به تقوا چیست؟ راه رسیدن به تقوا این است که انسان توجه کند و آگاهی خودش را، علم خودش را متوجه کند به علم الهی، به این که خدای متعال می‌داند، به این که خدای متعال می‌بیند، به این که خدای

به مؤمنین بشارت بده. مؤمنین آن کسانی هستند که حقوق همسرشان را رعایت می‌کنند، حریمش را رعایت می‌کنند، احترامش را رعایت می‌کنند.

این خانم‌هایی که می‌ایستند مادرانه کار می‌کنند در خانه، زحمت می‌کشند، زحماتشان هم دیده نمی‌شود. یعنی کسی نمی‌فهمد این خانم چه کار دارد می‌کند. خدا ان شاءالله به سلامتشان بدارد. اگر خدای نخواستہ یک چند روز مریض بشوند، این آقا تازه می‌فهمد چه خبر است. سوره مبارکه بقره یک فصلی از آن مباحث حقوق خانواده است. از جمله باز مثلاً در آیه ۲۳۳ مفصل می‌فرماید «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» مسئله شیردادن و این‌ها است. بعد می‌فرماید «وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۴۳} تقوا

یک جاهایی است که دیگر اصلاً مراقب بیرونی از او کاری بر نمی‌آید. مراقب بیرونی وارد فکر شما که دیگر نمی‌تواند بشود. اگر فرض کنیم وارد خلوت شما هم شد، یک دوربینی مستقر کنند خلوت طرف را هم کنترل کنند، فکر او را چه کار می‌کنند؟ اگر فکر او را هم یک وقت بتوانند محاسبه کنند، قلب او را چه کار می‌توانند بکنند؟ اگر قلب او را هم یک روز بتوانند به آن وارد بشوند، سر او را چه کار می‌توانند بکنند؟ «يَعْلَمُ السِّرَّ وَ الْأَخْفَى»^{۴۴} از سر شما مخفی‌تر هم که باشد پیش خدای متعال واضح است، پس خدا را مراعات کنید و مراقبت کنید. این می‌شود راه رسیدن به تقوا.

متعال باخبر است. یعنی به اسماء الهی معرفت پیدا کند و بعد این را به قلبش برساند، خدا می‌بیند، خدا می‌شنود، خدا می‌داند. همین کافی است، این را باور کند. بعد باور به این که من به سوی او می‌روم، به ملاقات او می‌روم. همه آنچه که انجام دادم آن جا حاضر است. کل و جزء آن، ریز و درشت آن، در ملاقات با خدای متعال همه این‌ها هست. این گونه انسان به تقوا می‌رسد، دیگر نیاز به مراقب بیرونی و دیگران او را مراقبت کنند، حواس‌شان به او باشد و این‌ها دیگر اصلاً ندارد. یک خویشتن‌بانی، یک خودکنترلی، یک مراقبت درونی دارد که دیگر نیاز به هیچ مراقبت بیرونی ندارد. هزاران برابر بالاتر از این که از بیرون کسی بخواهد مواظب او باشد، او خودش در کارهایش دقت می‌کند، احتیاط می‌کند، همه چیز را زیر نظر می‌گیرد.

۲. حفظ و رعایت حدود الهی

یک راه دیگر هم دارد که خدای متعال آن را هم در قرآن تأکید می‌کند. آن راه دیگرش راه محبت است. آیاتی که به شما می‌گوید «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^{۴۵}. می‌گوید «وَاتَّقُوا اللَّهَ، وَاَعْلَمُوا أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ، أَنْكُمْ مَلَاقُوهُ، شَدِيدَ الْعِقَابِ، سَرِيعَ الْحِسَابِ» آن یک فصل بود. اما یک فصل دیگر این است می‌گوید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^{۴۶}. این کلمه «مَعَ» این قدر پرمعنا و این قدر لطیف و این قدر پراحساس است، بدانید لطف و عنایت و نصرت و محبت خدای متعال شامل حال انسانی است که او را مراعات می‌کند و حفظ می‌کند، حدود الهی را حفظ می‌کند، خدای متعال با اوست. «مَعَ الْمُتَّقِينَ»، چه بشارتی

بالاتر از این اگر بخواهند به کسی بدهند. این آن باب محبت است.

۳. وفادار ماندن به پیمان

دیگری مسئله صریح محبت است، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۴۷}. بحث رابطه مؤمنین با مشرکین است. قرآن کریم می‌گوید اگر شما با مشرکین عهد بستید «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا»^{۴۸} آن‌ها کم نگذاشتند، یعنی طبق قراردادی که شما با آن‌ها بستید، طبق قرار با شما عمل کردند. «وَلَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا»^{۴۹} این‌ها بر شما شورش هم نکردند، به حقوق شما تجاوز هم نکردند «فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ»^{۵۰} آن عهد و قراری

۴۷ آیه ۴ سوره مبارکه توبه

۴۸ آیه ۴ سوره مبارکه توبه

۴۹ همان

۵۰ همان

۴۵ آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره

۴۶ همان

اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۵۳} این
 هم جالب است. «فَمَا اسْتَقَامُوا
 لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ»^{۵۴} این
 ناظر به یک قراری است که
 نزد مسجد الحرام بین مسلمان‌ها
 و مشرکین بود. می‌گوید آن
 عهدی که با آن‌ها کنار مسجد
 الحرام بستید، تا وقتی که آن‌ها
 پای عهدشان باشند شما هم
 باید باشید. بعد می‌گوید «إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۵۵}. تقوای
 انسان متقی این جاها معلوم
 می‌شود. یعنی حتی آن جایی که
 طرفش مشرکین و کفار هستند،
 با آن‌ها طرف قرار است، تا
 چه حد پای قرارش می‌ماند.
 یادتان باشد این جمله کلیدی
 است، آن جایی که طرف ما مثلاً
 یک کافری است، یک مشرکی
 است، یک مسلمانی، یک مؤمنی
 با یک کافری قرار می‌بندد،

۵۳ آیه ۷ سوره مبارکه توبه

۵۴ همان

۵۵ آیه ۷ سوره مبارکه توبه

را که با آن‌ها بستید، تا آخر آن
 زمانی که زمان قرارداتان هست
 به عهدتان پایبند باشید. «فَاتَّمُوا
 إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ»^{۵۱}
 تا پایان زمان قرارداتان به
 قرارتان با مشرکین پایبند باشید.

بعد می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
 الْمُتَّقِينَ»^{۵۲} خدای متعال متقین را
 دوست می‌دارد. متقین چه کسانی
 بودند؟ کسانی که پای عهدشان
 می‌مانند، این جا می‌گوید حتی
 با مشرک، با کافر عهد بستید
 سر عهدتان باشید، اگر آن‌ها
 سر عهدشان ماندند عهدتان را
 به پایان ببرید. این جاست که
 می‌گوید «يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» این
 را یادتان باشد. دوم کجاست؟ دوم
 هم چند آیه بعدش است. آیه
 هفتم می‌گوید: «كَيْفَ يَكُونُ
 لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ
 عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ
 عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا

۵۱ همان

۵۲ همان

توفیق بدهد، مراتب بالا و والای تقوا را طی کنند و این درخواست حضرت سید الساجدین (علیه‌الصلوة والسلام) در باره همه ما ان شاءالله مستجاب بشود که «**و الهمنی التقوی**»، تقوا را در عالی‌ترین درجه‌اش به ما الهام بفرما. پروردگارا قسمت‌ها می‌دهیم به حق اولیاءات، به حق مقربان درگاهت، به حق صاحبان تقوا، به حق کسانی که امام متقین بودند، به حق امیرالمؤمنین، امام المتقین، قسمت‌ها می‌دهیم روز به روز توفیق ما را در تحصیل تقوا بیشتر بفرما. قسمت‌ها می‌دهیم به حق محمد و آل محمد نصرت خودت، یاری خودت را، ظاهری، باطنی، بر جبهه مقاومت، بر مردمان مقاوم و مظلوم و مقتدر فلسطین و غزه نازل بفرما. آن‌ها را با فرشتگانی از سوی خودت تأیید بفرما. دشمنان تبهکار، رژیم صهیونیستی، حامیان‌شان، انگلیس خبیث، امریکای پلید و دیگران

یک کشور مسلمان، یک کشور جمهوری اسلامی با یک کشور کافر طرف قرار می‌شود، این جا این قرارداد نماد حیثیت اسلامی آن‌ها است، یعنی شما اسلام را بردی به میدان، ایمان شما با کفار، با مشرکین رعایت می‌کنید، این رعایت شما حفظ آبروی اسلام است، حفظ آبروی دین و مؤمن است، می‌گویند این مسلمان بود، این مؤمن بود، اگر رعایت کنید چقدر باعث جلب کفار به دین می‌شود؟ اگر رعایت نکنید آبرو را از اساس بردید. لذا می‌فرماید «**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ**»^{۵۶} با این تقوای عملی خودتان در وفادار ماندن به پیمان، در واقع شما دین را ترویج کردید. خدا این متقین را خیلی دوست دارد. خیلی مسئله لطیف است. ان شاءالله خداوند تبارک و تعالی به همه دوستان، به همه عزیزان

و دیگران را بیش از این خوار و
ذلیل و منکوب و رسوا بفرما. ارواح
مطهر شهداء امام راحل عظیم
الشان از ما راضی بفرما. قلب
مقدس ولیات را از ما راضی بفرما.
موانع ظهور مرتفع بفرما. عنایت
و لطف خاص امام زمان مان را
شامل حال همه ما قرار بده.
«اللهم صل علی محمد و آل محمد»





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر